زهرا استادزاده | جوان

در مناظره مدیرمسئول «جوان» و سخنگوی حزب «ندا» عنوان شد

اخوان: حفظ منافع ملی در دعوت به مشارکت است

نورمحمدی: روزنه تقابل امید و ناامیدی در جریان اصلاحات بود

گفت‌وگو

برگزاری نمایشگاه رسانه‌های ایران پس از وقفه‌ای شش‌ساله فرصت مناسبی بود تا این رویداد فرهنگی - رسانه‌ای بار دیگر در تعامل دوسویه رسانه‌ها و مردم به روزهای شکوفایی خود بازگردد. اهمیت این نمایشگاه زمانی دوچندان شد که با روزهای منتهی به انتخابات دوازدهم مجلس تلاقی پیدا کرد و به طور طبیعی بازار مناظره‌های انتخاباتی در غرفه‌های رسانه‌ها در نمایشگاه مطبوعات داغ شد. مناظره سعید نورمحمدی، سخنگوی حزب ندای ایرانیان و محمدجواد اخوان، مدیرمسئول روزنامه جوان درباره مشارکت در انتخابات از جمله این گفت‌وگوها بود که در خبرگزاری فارس انجام شد. آنچه در پی می‌آید بخشی از این مناظره است که می‌خوانیم.

■ **نورمحمدی:** بعد از روی کار آمدن ترامپ، امریکا از برجام خارج شد و تحریم‌هایی را بر ایران تحمیل کرد، در نتیجه، وضعیت نظام اقتصادی ایران دچار چالش‌هایی شد. به طور مثال، ما نباید فراموش کنیم که یک سال مانده به پایان دولت آقای روحانی، به خاطر تحریم‌ها، فروش نفت ایران به ۳۰۰هزار بشکه کاهش یافت و قیمت نفت نیز حدود ۲۰دلار شد. برای آنکه بتوانم این وضعیت را بهتر مشخص کنم، باید بگویم در حال حاضر دولت آقای رئیسی مدعی است ۲میلیون بشکه نفت می‌فروشد. قیمت نفت نیز بعد از کنار رفتن ترامپ و روی کار آمدن بایدن به بالای ۱۰۰ دلار رسید. تفاوت این درآمدها را ببینید، آن زمان می‌توانیم مشخص کنیم که چرا دولت آقای روحانی از نظر اقتصادی دچار چالش‌ها و مشکلاتی شد، البته معتقدم خیلی از دوستان همفکر آقای اخوان، لزوماً از کاری که ترامپ کرد ناراحت نشدند و از آن به عنوان یک فرصت سیاسی بهره‌برداری کردند تا در واقع دولت را متهم کنند نتوانسته است تحریم‌ها را بردارد.

آقای اخوان، نکاتی را که آقای نورمحمدی در خصوص رویکرد نیروهای انقلابی و اصولگرا در برابر برجام، تحریم‌ها و دولت ترامپ بیان کردند، قبول دارید؟ توضیح بفرمایید.

■ **اخوان:** این حرف را که «ما از کار ترامپ خوشحال شدیم» باید ثابت کنند؛ اینکه ما از کار دشمن‌مان که قاتل سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی است و نفرتی از او در دل ملت ما وجود دارد، خوشحال شده‌ایم! سؤال من از آقای نورمحمدی این است که آقای روحانی ۳۰۰هزار بشکه نفت فروخته است، اما چگونه اکنون که تحریم‌ها برطرف نشده، آقای رئیسی ۲میلیون بشکه نفت می‌فروشد؟ دولت امریکا که عوض نشده، این دولت بایدن، همان دولتی است که در یک سال آخر دولت آقای روحانی بر سر کار بوده است. حالا قیمت نفت را نمی‌گویم، این دست ما نیست، اما چه اتفاقی افتاده است که به قول شما، دولت آقای رئیسی خیلی بیشتر از دولت آقای روحانی نفت می‌فروشد؟ پس معلوم می‌شود موضوع، چیز دیگری است. ما که نمی‌توانیم رفتار ترامپ یا دیگر رئیس‌جمهورهای امریکا را کنترل کنیم. ما می‌گوییم رفتار خودمان را تنظیم کنیم، مسئله این است. اشتباه بزرگ آقای روحانی دو مورد بود: اولاً همه آدرس‌ها را به بیرون داد که چیزی در کنترل ما نیست. ما نمی‌گوییم تحریم‌ها اثر ندارند، اثر دارند. ما رفتیم مذاکره و توافق نیز کردیم، اما تغییر رئیس‌جمهور امریکا، همه معادلات را به هم ریخت؛ چیزی که در کنترل ما نبود. چگونه می‌شود روی چیزی که در کنترل ما نیست، حساب کرد؟ مسئله این است. دوم آنکه چرا باید انتظارات غیرواقعی در جامعه ایجاد کرد؟ می‌گفتند اگر می‌خواهید مشکل آب خوردن حل شود، باید مذاکره کنیم، اینها چه ارتباطی باهم دارند؟ اگر می‌خواهید مشکل آلودگی هوا حل شود، باید مذاکره کنیم. نقد اساسی ما به آقای روحانی، این است که چرا با رفتار خود، مردم را نسبت به ساختارهای موجود بی‌اعتماد کرد؟ آقای روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران، این وعده‌ها را به مردم می‌داد. مردم آقای روحانی را نه به عنوان شخص حسن روحانی، بلکه به عنوان رئیس دولت، رئیس قوه مجریه و رئیس یک مجموعه می‌شناختند. ایشان آن زمان آمدند و یکسری وعده‌هایی به مردم دادند، به رغم اینکه ما در آن زمان نیز انتقاد می‌کردیم که چرا همه موارد را به مذاکرات مرتبط می‌کنید؟ شما مذاکره می‌کنید، خب انجام دهید، اما چرا همه چیز را به آن آدرس می‌دهید؟ این آدرس‌دادن‌های پیاپی به مذاکرات و از آن طرف، تحقق‌نیافتن وعده‌ها، در کنار خلف‌وعده طرف مقابل و متأسفانه، ساده‌اندیشی در برابر آن خلف وعده قرار گرفت. شما فیلم سخنان آقای ظریف در جمع استادان دانشگاه تهران را به یاد دارید. این سخنان، مربوط به دوران قبل از انتخاب ترامپ است. در آن جلسه، یکی از استادان به آقای ظریف گفت که ترامپ گفته است اگر رأی بیاورد، از برجام خارج می‌شود. آقای ظریف، محکم گفتند که چنین موضوعی ممکن نیست.

به نظر می‌رسد بحث‌ها، بیشتر متمرکز بر عملکرد دولت‌هاست و هر دو بزرگوار معتقدند عملکرد دولت‌ها بر میزان مشارکت نقش داشته است. به جهت آنکه وارد بحث انتخابات نیز شویم، اگر بخواهیم به طور ملموس بگوییم، در حال حاضر چه کارهایی به این مشارکت کمک می‌کند؟

■ **نورمحمدی:** من معتقدم در اولین قدم، باید به مردم این اطمینان داده شود که رأی و نظر آنها شنیده می‌شود و سیاست‌ها بر اساس آن، تغییر می‌کنند. در انتخابات مجلس دهم، در تهران ۳میلیون و ۲۰۰هزار رأی داده شد، اما در انتخابات مجلس یازدهم، این رقم به یک‌میلیون و ۸۰۰هزار رأی کاهش یافت، یعنی یک‌میلیون و ۴۰۰هزار نفر قهر کردند. این افراد می‌گویند که ما در انتخابات مجلس دهم رأی دادیم، اما مطالبات‌مان در حوزه‌های سیاست خارجی، اقتصاد و اجتماع نادیده گرفته شد. مردم به تفکری که مطالبات و خواسته‌های آنها را نادیده می‌گیرد، می‌خواهد تصمیمات و نظرات خودش را به آنها تحمیل کند و آنها را مانند طرفدارانش می‌بیند، اعتراض دارند. ما باید همه ملت را به رسمیت بشناسیم. بخواهیم یا نخواهیم، آنهایی که پارسال کتک خوردند، آنهایی که چشم‌شان را از دست دادند یا آن خانواده‌هایی که عزادار شدند (چه مدافعان امنیت و چه معترضان)، جزو مردم ما هستند. ما باید همه ملت را به رسمیت بشناسیم. ما نمی‌توانیم با دید یک دشمن به آنها نگاه کنیم. نمی‌توانیم فقط در زمان انتخابات یادمان بیفتد ما شهروندانی داریم.

■ **اخوان:** این نشان می‌دهد اینان به انتخابات به‌ماهُوَ انتخابات و مظهر مردم‌سالاری نگاه نمی‌کنند، بلکه برای‌شان بیشتر، یک فرصت‌طلبی سیاسی است. این یک مشکل است و سبب می‌شود ما در زمان انتخابات، از آنها انتظار یک رفتار سیاسی صحیح برای جلب آرا نداشته باشیم. به اقتضائات، شرایط و منافع خودشان نگاه می‌کنند و بر اساس آن تصمیم می‌گیرند. به طور مثال، آقای حجاریان پس از آنکه بیانیه ۱۱۰نفره منتشر شد، با روزنامه اعتماد مصاحبه کرد و انتخابات را زیر سؤال برد. این نشان می‌دهد پدرخوانده‌های این جریان (نمی‌گویم همه افراد این جریان، چون در بین آنها افراد معقولی نیز وجود دارند)، کاملاً فرصت‌طلبانه به عرصه نگاه می‌کنند و از ترس آنکه برخی از جناح‌شان معقول برخورد کنند، سریع حمله‌ای تند انجام می‌دهند تا کسی نگوید پادشاه لخت است. این پدرخوانده‌ها غلط می‌کنند که در حال تحمیل دیدگاه خود به ما هستند. زمانی که در جریان سیاسی، چنین مسائلی وجود دارد، این جریان نمی‌تواند کنشگری صحیح در عرصه انتخابات داشته باشد یا به طور مثال، یک نفر تماس می‌گیرد و افراد را تهدید می‌کند که اگر نامزد شوید، ما با شما برخورد می‌کنیم، اینها واقعیات تلخی هستند. اگر اینها معتقد به انتخابات و نظام حزبی نیستند و می‌خواهند براندازی کنند، بگویند ما براندازیم. باید تکلیف‌شان را مشخص کنند، نمی‌شود زمانی که به سودشان است، در انتخابات شرکت کنند و زمانی که در انتخابات نیستند، زیر میز بزنند. مردم از ما توقع رفتار درست دارند. امروز توقع از نخبگان، متنفذان و اثرگذاران این است که دعواهای سیاسی‌شان را جایی کنار گذارند و مردم را به اصل انتخابات شرکت کنند و زمانی که در انتخابات نیستند، زیر میز بزنند. مردم از ما توقع رفتار درست دارند. منافع حزبی جای خودش، کسی منکر آن نمی‌شود، اما باید برای همه، منافع ملی بر همه چیز ارجحیت داشته باشد. همانطور که ایشان فرمودند، انتخابات برای ما مظهر قدرت است، زیرا نظام ما، نظامی مردم‌سالارانه است. اگر برای افراد، منافع ملی مهم است، باید از این مسائل و دعواهای سیاسی عبور کنند. عده‌ای که منتقدند، انتقاد کنند، اما کسی که علیه انتخابات شورش کند و مردم را از شرکت در انتخابات منع یا ناامید کند، فرقی با آنهایی که خیابان را آتش می‌زدند، ندارد. خطر این فرد، از آنها بیشتر است، زیرا ذهن جامعه را از بین می‌برد. این چه رفتاری است؟ چرا این افراد، رویکردشان را نسبت به اصل نظام جمهوری اسلامی مشخص نمی‌کنند؟ اینکه نمی‌شود، وقتی اوضاع بر وفق مراد من باشد و من در انتخابات نامزد داشته باشم، بیایم و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنم، اما زمانی که شرایط را نمی‌پسندم، انتخابات را رد کنم. اینها مشکلاتی هستند که ما در بحث مشارکت با آنها مواجهیم و باید امید داشته باشیم که در روزهای باقی‌مانده حل شود. تحلیلی که در میان برخی اصلاح‌طلبان وجود دارد، این است که در سال گذشته، بخشی از بدنه ما از ما جدا شده است. اگر چنین تحلیلی داشته باشید، باید تصمیم بگیرید که در انتخابات شرکت نکنید، چون می‌دانید شکست می‌خورید؟ دیگر چرا انتخابات را خراب می‌کنید؟ شما با این کار، دارید منافع حزبی را بر منافع ملی اولویت می‌دهید.

■ **نورمحمدی:** آقای اخوان می‌گویند که شما کاندیدا داشته‌اید. من به عنوان یک حزب سیاسی، صادقانه به شما می‌گویم، صرفاً از این انتخابات نیز نمی‌گویم. ما نیز ثبت‌نام کرده‌ایم، ولی شورای مرکزی همه را ردصلاحیت کرد. ما که درون ساختار سیاسی هستیم، ولی همه کاندیداهای ما را ردصلاحیت کردند. در انتخابات مجلس دهم نیز همین موضوع تکرار شد. در مجلس دهم، حزب ندای ایرانیان یک نفر کاندیدای احراز صلاحیت‌شده در تهران نداشت. نمی‌شود بگوییم حزب، اما لوازم کار حزبی را نپذیریم و سیستم و نهاد انتخابات ما، از نهاد حزب ما جدا باشد. این مسئله باعث می‌شود آن حزب، از کارکرد بیفتد، آن وقت شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که بیاید و کارکرد انتخاباتی خودش را درست انجام دهد. اساساً حزب نتوانسته است کارکرد درست خود را در طول سال انجام دهد، به انتخابات هم که برسد، کسی حرفش را گوش نمی‌دهد. چرا؟ چون مخاطبی ندارد. چرا؟ چون اجازه نمی‌دهیم بیاید و آن مطالباتی را که شکاف ایجاد کرده است و مردم عادی و طیف‌های مختلف دارند، بیان کند. بخشی از جامعه تند و رادیکال هستند. آیا اجازه می‌دهیم این افراد در ساختار سیاسی فعالیت کنند؟ اگر بخواهیم داخل ساختار سیاسی بمانند، راهش این است. آقای اخوان، نماینده آنها باید در مجلس باشد. نماینده آن دختر و پسرهایی که پارسال در خیابان کتک خوردند و آمدند شعارهای تند ساختارشکنانه دادند. من و شما ممکن است به آنها نقد داشته باشیم و شعارهای‌شان را نپذیریم، اما آنها باید در مجلس نماینده داشته باشند. این نمایندگان اصولگرا و پایداری و تندروها، نمی‌توانند نماینده آنها باشند. این اتفاق هیچ‌وقت رخ نداده و نمی‌توانند کاری انجام دهند. زمانی می‌توانیم انتظار داشته باشیم که نخبگان و احزاب سیاسی، در طول سال بتوانند نماینده خودشان را داشته باشند. در مورد پیش‌ثبت‌نام نیز باید این را بگوییم که ظلم به ما بود؛ به جریانات سیاسی اصلاح‌طلب. جریان اصلاحات در این موضوع در موضع ضعف قرار گرفت و دست بالا را به افرادی داد که بخواهند در انتخابات شرکت نکنند. مگر می‌شود قانون انتخاباتی بگذاریم و احزاب سیاسی و جریانات سیاسی روی آن تفاهم نداشته باشند؟ آن قانون نوشته شد، در حالی که جریانات احزاب سیاسی اصولگرا و احزاب اصلاح‌طلب موافق نبودند، حتی دوستان مسئول حاضر نشدند مقداری این طرح را متوقف کنند و آن را برای دوره بعد بگذارند. یک جریان سیاسی که ۵۰درصد جریان کشور است، از این موضوع خبر نداشت، باید اعتمادسازی انجام می‌شد. در نهایت گفتند که باید پیش‌ثبت‌نام انجام شود، اما در آن فضای ملتهب، پیش‌ثبت‌نام انجام نشد. اگر شما از فرصت‌طلبی دوستان اصلاح‌طلب گلایه می‌کنید، من می‌خواهم بگویم که باید از ناپختگی رفتار برخی نهادهای حاکمیتی در شیوه برگزاری انتخابات گلایه کنید.

■ **اخوان:** من معتقدم رادیکال‌ترین رفتارهای اصلاح‌طلبان، در دو یا سه حزب است و آنها آدم‌های حزبی هستند، به طور مثال، آقای تاج‌زاده از نظر شما حزبی است یا نه؟ او هم عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و هم عضو مشارکت. اتفاقاً اگر آقای تاج‌زاده را به عنوان یکی از نمادهای رادیکال اصلاحات بپذیریم و آقای حجاریان را که گفته‌اند استراتژیست حزبی است یا آقای شکوری‌راد که در اتحاد ملی بود، نشان از این دارد که افراد ناشی، رادیکال نبوده‌اند، حتی اتحاد ملتی که جانشین مشارکت شد نیز رادیکال بود، پس من قبول ندارم که بگوییم صرفاً چهار نماینده ناشی در مجلس دهم رادیکال شدند. اتفاقاً آنها هم رادیکال بودند، ولی قدرت حزبی نداشتند، دایره رفتار آنها محدود بود، اما درباره صحبت‌هایی که درباره قانون انتخابات می‌فرمایید، باید بگویم که مدافع تغییر قانون انتخابات نیستم. آیا زمانی که یک جریان سیاسی با شرایط جدیدی مواجه شده و قانون عوض‌شده است، نباید تصمیم بگیرد؟ ببینید، شما می‌گویید که زمان نداشتیم تا تصمیم بگیریم، از زمان تصویب قانون انتخابات تا پیش‌ثبت‌نام چقدر زمان وجود داشت؟ فرض کنید یک روز زمان داشت. سال ۱۳۸۴ آقای معین ردصلاحیت شد. آقای حداد به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که به آقای مهرعلیزاده و آقای معین اجازه دهید در انتخابات شرکت کنند. بعضی از آقایان می‌گفتند که حکم حکومتی مقام معظم رهبری را بپذیریم یا نه؟ در کمتر از ۲۴ساعت تصمیم راهبردی گرفتند. اگر بخواهند تصمیم بگیرند، می‌توانند در ۲۴ساعت هم تصمیم بگیرند، چه رسد به یک هفته. معتقدم بخش رادیکال اصلاحات چون می‌دانست پایگاه اجتماعی خوبی ندارد و از آنجا که حاضر به فداکاری برای منافع ملی هم نیست، برخلاف مجموعه‌ای مثل شما که منافع ملی برای‌تان مهم است، می‌گفتند چرا باید خودمان را برای منافع ملی هزینه کنیم؟ بگذارید من پز رادیکالیسم را حفظ کنم، مانند حرفی که اخیراً آقای حجاریان به جوانان اصلاح‌طلب گفت. آقای حجاریان در این مصاحبه خطابی داشتند که مخاطب آن، جوانان اصلاح‌طلب بودند. آن مصاحبه ایشان را یادتان هست؟ حزب یک مبنا و اعتقاداتی دارد و دنبال یک نتایجی است. گفتند شما نگاه نکنید که در جریان رقیب، مثلاً به یک مقامی رسیدند، شما فعلاً دست نگه دارید و بر اساس چرخ روزگار، کار به شما هم می‌رسد، یعنی چون خودش بازنشسته سیاسی است و می‌گوید، شمای جوان حق ندارید خودتان را در جریانات سیاسی فعال کنید و این ظلم است، یعنی فردی که خودش آرزوی سیاسی ندارد، به آن جوان اصلاح‌طلب هم می‌گوید که تو هم آرزویی نداشته باش و آن را سرکوب می‌کند. این پدرخواندگی است. من اصلاح‌طلب و در این جریان سیاسی نیستم، ولی اگر منصبی داشتم، حتماً نسبت به سخن آقای حجاریان موضع می‌گرفتم. می‌گوید حتی تو نباید کاندیدا شوی، چرا؟ چون کاندیداتوری تو، به آن سیستمی که من نمی‌پسندم، کمک می‌کند. این افراد، آدم‌های حزبی‌اند و اتفاقاً از قدیمی‌های جریان اصلاحات نیز هستند. بپذیرید که چنین مشکلاتی در درون جریان اصلاحات وجود دارد.

■ **نورمحمدی:** اتفاقی که در مورد خیلی از دوستان به زعم شما کارکشته سیاسی افتاده است، رادیکال کردن آنهاست. ببینید، با شما هم برخوردهایی شود که عامدانه تلاش کنند شما را رادیکال و بدبینی ایجاد کنند، شما نیز تند می‌شوید. منظورم به فرد خاصی نیست، اما در مورد آقای تاج‌زاده (چون خودتان گفتید)، چرا باید به زندان برود؟ آقای تاج‌زاده جایش در زندان نیست، باید بیرون باشد تا من‌نوعی بتوانم جوابش را بدهم. اگر آقای تاج‌زاده بیرون بود، خیلی از دوستان اصلاح‌طلب هم ایشان را نقد می‌کردند. ایشان یکسری دیدگاه‌های تندی دارند که همین دیدگاه‌های تند نیز باید در مجلسی وجود داشته باشند. محل تنازع مجلس است. من دوستانی را که رادیکال باشند، قبول ندارم و به آنها میدان نمی‌دهم، ولی آنها هم حق دارند که نماینده داشته باشند، حق دارند بخشی از جامعه را نمایندگی کنند، اما در مورد این نامه‌ای که گفتید در تقابل آن دوستان نیست، این مسئله از دو دیدگاه ناشی شده است، من باور دارم این نامه‌ای که دوستان «روزنه» امضا کرده‌اند، با دوستان جبهه اصلاحات که منتقد این نامه هستند، تقابل امید و ناامیدی است. اساساً بخشی از دوستان ناامید شده‌اند و می‌گویند، نمی‌شود کاری کرد. آنها به ما می‌گویند خوش‌بین هستید. آنها منتظر نشسته‌اند تا فضا باز و فرصتی ایجاد شود که بتوانند کنشگری کنند، در حالی که دوستان روزنه معتقدند ما باید این روزنه را ایجاد کنیم. این فرصت را ما باید ایجاد کنیم. یک روزنه را پیدا و آن را بزرگ کنیم. می‌خواهم بگویم، کاملاً نگاه امید و ناامیدی است که اتفاقاً، من به دوستانی که ناامید هستند، خرده نمی‌گیرم و نمی‌توانم آنها را سرزنش کنم. برای گروه‌هایی که به دنبال توسعه کشور هستند، نیروهایی که به دنبال این هستند که حق سبک زندگی در این کشور به رسمیت شناخته شود، فرهنگ و سینما برای‌شان مهم است، قائل به آزادی هستند، قائل به اینکه افراد به خاطر سخنان و دیدگاه‌شان به زندان بروند، نیستند و آن را مذموم می‌دانند، باید پای صندوق‌های رأی آمد. بعد از انتخابات شورای شهر دوم که کم‌رمق‌ترین بود، اتفاقاتی که افتاد، روی کار آمدن دولتی بود که از همه بیشتر، هنرمندان و ورزشکاران را آزرد و زندگی شهروندان را به رسمیت نشناخت، در نتیجه، شرایط کشور بدتر شد. بیشترین درآمدهای نفتی ایران در آن دوره بود. همه آن، در آن دوره حیف‌ومیل شد. در دوره دیگری، در سال ۱۳۸۴ نیز همین‌طور بود، مشارکت تا حدی کاهش داشت و بخشی از جامعه، انتخابات را تحریم کردند و گفتند که رأی نمی‌دهیم. انتخابات سال ۱۳۹۸ هم همین بود و باعث شد، مجلسی روی کار بیاید که قوانینی را تصویب کند که برابر خواست اکثریت مردم نباشد.

■ **اخوان:** این پیش‌فرض غلط است و نقض هم دارد. سال ۱۳۸۸ هم انتخابات را با تراز بالا برگزار کردیم و هم اصلاح‌طلبان، کاندیدایی تراز بالا داشتند که نخست‌وزیر دهه ۶۰ بود، اما در آن هم شکست خوردند. در سال ۱۳۸۴ همه پشت آقای هاشمی قرار گرفتند، اما ایشان در دور دوم شکست خوردند. این پیش‌فرض غلط است. اتفاقاً، من نگاه دیگری دارم و معتقدم اصلاح‌طلبان کار دیگری انجام داده و آن را چندین بار تکرار کرده‌اند، آسیب آن را نیز داریم می‌بینیم. آن کار، این است که موج انتخاباتی راه می‌اندازند، وقتی پیروز می‌شوند، مردمی را که طرف آنها آمدند، ناامید می‌کنند، همچون همان رفتارهای نمایندگان مجلس دهم. رفتار آقای روحانی که با ائتلاف اصلاح‌طلبان به قدرت رسید نیز همین‌طور بود. مجموع رفتار جریانات سیاسی همین گونه است. شما مجلس ششم را ببینید. در مجلس ششم، اصلاح‌طلبان شکست‌شان را در مجلس هفتم بر گردن عدم‌احراز صلاحیت‌ها انداختند، نگفتند که چگونه رئیس مجلس دوره ششم در تهران نفر سی‌ویکم شد. معروف‌ترین چهره مجلس ششم که رئیس آن مجلس بود، یعنی آقای کروبی، نفر سی‌ویکم شد، یعنی شما پایگاه اجتماعی را از دست داده‌اید. این دقیقاً ناشی از وعده‌هایی است که فضایی بودند و تحقق نیافتند. باید به طور واقعی به صحنه انتخابات نگاه کرد. نماینده مجلس، باید مبتنی بر نیازمندی‌های جامعه، آن اختیاراتی که دارد و واقعیت‌هایی که می‌تواند در چهار سال نمایندگی، به آن تحقق ببخشد، وعده بدهد. کارهای خلق‌الساعه و فضایی را که نمی‌توانیم انجام دهیم. وقتی شما به مردم، وعده‌ای داده‌اید که خارج از انتظار و غیرقابل تحقق است و موج انتخاباتی ایجاد، اما طور دیگری عمل کرده‌اید، اعتبارتان ریخته می‌شود، البته اصل رفتار معقول جریان اصلاح‌طلب را تحسین می‌کنم؛ اینکه خودشان را از رفتار پدرخواندگان، مستقل تعریف کردند؛ پدرخواندگانی که همه دورهای خود را زده‌اند و دیگر برای‌شان مهم نیست که آینده نسل جدید این جریان، چه خواهد شد، در نتیجه با دیکتاتوری می‌خواهند آنها را مجبور کنند که چون ما در صحنه نیستیم، پس شما هم حق ندارید باشید. این مسئله واقعاً، هم خلاف منافع ملی است و هم خلاف عقلانیت حزبی. مطمئناً به ضرر خودشان نیز خواهد شد. مطمئن هستم در آینده حذف خواهند شد. امیدواریم ان‌شاءالله همه ما به وظیفه اصلی‌مان که حفظ منافع ملی با دعوت مردم به مشارکت در انتخابات است، عمل کنیم.

■ **نورمحمدی:** در تهران، آقای دکتر مطهری فهرست خواهند داد؛ فهرستی که امیدواریم بتواند صدای مردم تهران باشد. در حزب ندای ایرانیان و با مشورت برخی احزاب، نامزدهایی را شناسایی کرده‌ایم که اگرچه تعدادشان زیاد نیست، اما امیدوار هستیم. این فهرست، فهرستی است که هر چهار حزب از آن حمایت می‌کنند. امیدواریم این انتخابات، به نحوی برگزار شود که به نفع مردم و کشور باشد.

> **اخوان: نقد اساسی ما به آقای روحانی، این است که چرا با رفتار خود، مردم را نسبت به ساختارهای موجود بی‌اعتماد کرد؟ آقای روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران، این وعده‌ها را به مردم می‌داد. مردم آقای روحانی را نه به عنوان شخص حسن روحانی، بلکه به عنوان رئیس دولت، رئیس قوه مجریه و رئیس یک مجموعه می‌شناختند**

> **نور محمدی: من معتقدم در اولین قدم، باید به مردم این اطمینان داده شود که رأی و نظر آنها شنیده می‌شود و سیاست‌ها بر اساس آن تغییر می‌کنند. این افراد می‌گویند ما در انتخابات مجلس دهم رأی دادیم، اما مطالبات‌مان در حوزه‌های سیاست خارجی، اقتصاد و اجتماع نادیده گرفته شد**

> **اخوان: امروز توقع از نخبگان، متنفذان و اثرگذاران این است که دعواهای سیاسی‌شان را جایی کنار گذارند و مردم را به اصل انتخابات دعوت کنند. منافع حزبی جای خودش، کسی منکر آن نمی‌شود، اما باید برای همه، منافع ملی بر همه چیز ارجحیت داشته باشد. انتخابات برای ما مظهر قدرت است، زیرا نظام ما، نظامی مردم‌سالارانه است. اگر برای افراد، منافع ملی مهم است، باید از این مسائل و دعواهای سیاسی عبور کنند**

> **نورمحمدی: در تهران، آقای دکتر مطهری فهرست خواهند داد؛ فهرستی که امیدواریم بتواند صدای مردم تهران باشد. در حزب ندای ایرانیان و با مشورت برخی احزاب، نامزدهایی را شناسایی کرده‌ایم که اگرچه تعدادشان زیاد نیست، اما امیدوار هستیم. این فهرست، فهرستی است که هر چهار حزب از آن حمایت می‌کنند. امیدواریم این انتخابات، به نحوی برگزار شود که به نفع مردم و کشور باشد**

> **اخوان: جریان رادیکال اصلاحات نمی‌تواند کنشگری صحیح در عرصه انتخابات داشته باشد. اگر اینها معتقد به انتخابات و نظام حزبی نیستند و می‌خواهند براندازی کنند، بگویند ما براندازیم. باید تکلیف‌شان را مشخص کنند، نمی‌شود زمانی که به سودشان است، در انتخابات شرکت کنند و زمانی که در انتخابات نیستند، زیر میز بزنند. مردم از ما توقع رفتار درست دارند**